

تکرار تراژدی دخترکشی

12 تیر 1401

جزییات قتل «آریانا لشکری» از زبان برخی اقوام او و چند نفر از اهالی شهرستان ممسنی

روز دوشنبه ۶ تیر ماه سال جاری دختری ۱۶ ساله در شهرستان ممسنی نورآباد از توابع استان فارس به دست پدرش به قتل رسید. خبر مربوط به این دخترکشی سه روز بعد در رسانه‌ها منتشر شد. خبر حاکی از آن بود که این دختر ۱۶ ساله که آریانا نام داشت به دلیل اختلافات خانوادگی با پدرش به خانه مادر بزرگش می‌رود. پدر او با اطلاع از اینکه دخترش از خانه خارج شده پس از برداشتن اسلحه شکاری به خانه مادرش رفته و پس از بحث و جدل با دخترش در نهایت با شلیک یک گلوله که به قفسه سینه این دختر اثبات می‌کند او را به قتل می‌رساند.

پس از بازداشت این مرد او ضمن اعتراف به جرم خود گفت: «من قصد کشتن دخترم را نداشتم. مدتی بود که با دخترم بر سر موضوعی اختلاف پیدا کرده بودیم. آن روز بر سر همین اختلافات آریانا به خانه مادرم رفت و من هم به یک‌باره نتوانستم عصبانیت را کنترل کنم و با اسلحه شکاری‌ام به آنجا رفتم تا او را بترسانم. واقعا قصد کشتن دخترم را نداشتم اما بی‌اختیار شلیک کردم و مرتکب قتل دخترم شدم.» با پیگیری‌های «اعتماد» درخصوص جزییات این خبر در گفت‌وگو با برخی آشنایان مقتول و چند نفر از اهالی شهرستان ممسنی مشخص می‌شود که آریانا به دلیل اینکه به پسری علاقه داشته است مورد سرزنش پدر قرار می‌گیرد و در نتیجه اختلاف میان آنها شکل می‌گیرد. همچنین به گفته برخی اهالی این شهرستان پدر آریانا به مواد مخدر اعتیاد داشته است... نکته قابل تاملی که در این جنایت وجود دارد کلماتی است که آریانا در صفحه اینستاگرامش به کار برده که با رخ دادن این حادثه کاملا در تضاد است. آریانا در صفحه اینستاگرامش نوشته: «دنیا پدرم» حالا یک هفته از این اتفاق می‌گذرد. اکثر اقوام و افرادی که ساکن این شهرستان هستند ترجیح داده‌اند کلامی درخصوص این خبر افشا نکنند اما برخی اقوام و اهالی این شهرستان برای «اعتماد» جزییاتی را تشریح می‌کنند.

شروع حادثه تلخ؛ پای پسری در میان بوده است

یکی از اهالی این شهرستان زنی ۳۶ ساله است که درخصوص قتل آریانا می‌گوید: «آریانا یک خواهر 12 ساله هم دارد. اهل منطقه لشکری ممسنی هستند که به عنوان قلعه کهنه هم از آن نام برده می‌شود. همان روزی که این خبر را شنیدم یکی از دوستان خواهرم که از طایفه لشکری بود و با این دختر نسبت فامیلی داشت در صفحه شخصی اینستاگرامش عکس آریانا را گذاشت و کنار عکس نوشت: «وقتی عاشق می‌شی» بعد هم یکی، دو ساعت نشد که دوست خواهرم عکس مربوط به آریانا را از صفحه اینستاگرامش حذف کرد و دیگر خبری نشد. انگار خانواده او نمی‌خواستند خبری از این اتفاق فاش شود. حرف‌های ضد و نقیض هم زیاد در مورد این خبر در ممسنی پیچیده بود اما خب من از طریق یکی از اقوام‌مان که در دادگستری کار می‌کند پیگیر خبر شدم و او هم به من گفت مادر این دختر هم مدتی می‌شد به عنوان قهر خانه را ترک کرده بود. آریانا با پسری در رابطه بوده که ما شنیدیم قصدشان نیز ازدواج بود اما خب پدر آریانا به او شک می‌کند و وقتی پیام‌های داخل گوشی آریانا را می‌بیند با او بر سر

همین موضوع درگیر می‌شود. چند دقیقه بعد پدر آریانا از خانه خارج می‌شود همین که پدر این دختر از خانه خارج می‌شود آریانا با حالت قهر خانه‌شان را ترک می‌کند و به خانه مادر بزرگش می‌رود. پدر او هم وقتی برمی‌گردد و دخترش را در خانه نمی‌بیند عصبانی می‌شود و اسلحه شکاری‌اش را برمی‌دارد و به خانه مادرش می‌رود. این مرد در خانه مادرش با آریانا دوباره بحث می‌کند و درگیر می‌شود و با همان اسلحه شکاری که در دستش بوده به سمت آریانا شلیک می‌کند. اینجا شهرستان کوچکی است تمام ساکنانش همدیگر را می‌شناسند، کوچک‌ترین مساله‌ای که رخ بدهد کل اهالی باخبر می‌شوند. خانم ما نمی‌دانیم خدا می‌داند اما شنیدیم که پدر خانواده فقط برای اینکه دخترش را بترساند و او را به خانه برگرداند اسلحه را با خود برده بود ولی خب به هر حال این اتفاق افتاد.»

یکی از اقوام این خانواده که يك خانم است نیز می‌گوید: «نباید این خانواده را قضاوت کرد. آریانا نجیب‌ترین دختری بود که تا به حال دیده بودم. این اتفاق ناخواسته رخ داده است. هیچ‌کس جای پسرعمه من نیست که بداند او الان چه حالی دارد. هیچ‌وقت نباید ندانسته کسی را قضاوت کرد.» یکی دیگر از اهالی نورآباد ممسنی دختر جوانی است که در این باره می‌گوید: «اینها دو خواهر بودند که آریانا فرزند بزرگ‌تر این خانواده بود. مادر آریانا چند سال پیش از همسرش طلاق می‌گیرد. پدرش هم به دلیل مسائلی به زندان می‌افتد و مادر بزرگ‌شان آریانا را به همراه خواهر کوچکش بزرگ می‌کند. حدود دو ماه پیش پدر آریانا از زندان آزاد می‌شود و وقتی می‌فهمد که آریانا خواستگار دارد و آنها بهم علاقه دارند با ازدواج‌شان مخالفت می‌کند ولی آریانا آن پسر را که خواستگارش بوده، دوست داشته و به پدرش گفته من می‌خواهم با این پسر ازدواج کنم. بحث و درگیری آنها هم از همین موضوع شروع می‌شود. اینجا شهر بزرگی نیست که کسی متوجه ماجراها نشود تا حدی هم خانواده این دختر از انتشار واقعیت جلوگیری کردند. ما شنیدیم پدر آریانا روز حادثه اول با اسلحه به دخترش شلیک کرده.»

از آشنایان این خانواده مردی تقریباً میانسال است. او در مورد [قتل آریانا](#) سکوت می‌کند و می‌گوید: «من کل ماجرا را می‌دانم اما الان صحبت در مورد این حادثه دیگر چه سودی دارد؟!»

یکی از اقوام آریانا نیز که دختری کم سن و سال است درخصوص این خبر می‌گوید: «ببینید این حادثه کاملاً سهواً رخ داده است. اصلاً این نبوده که آریانا به خاطر اذیت کردن پدرش از خانه قهر کند و به خانه مادر بزرگش برود. پدر او هم اصلاً به قصد کشتن دخترش به آنجا نرفته بود... جزییات بیشتر را نمی‌توانم بگویم. خانواده مقتول ناراحت می‌شوند.» یکی دیگر از اهالی این شهرستان نیز در واکنش به قتل این دختر نوجوان می‌گوید: «گویا آریانا پسری را می‌خواست که خواستگارش هم بوده پدرش هم مخالفت می‌کرده تا اینکه روز حادثه دخترش را با اسلحه به قتل می‌رساند.»

مشاوره:

(ازدواج، طلاق، خانواده، تحصیلی، کودک و نوجوان)

درمان:

(اضطراب، افسردگی، وسواس و ...)

روان سنجی:

(تست هوش، شخصیت و استعداد)

متخصص روانشناسی و مدرس دانشگاه

با تعیین وقت قبلی

☎ ۰۹۱۰ ۲۹۰ ۴۷۵۸

☎ ۰۲۸ ۳۳۶۷ ۲۷۵۰

قزوین، خیابان شهید بابایی، کوچه ۳۵

(قنبربهرامی)، مقابل دادگستری قزوین

خشونت علیه زنان و دختران

«علی‌رضا شریفی یزدی» روانشناس اجتماعی نیز در رابطه با دخترکشی که از انواع قتل‌های خانوادگی به حساب می‌آید به «اعتماد» می‌گوید: «در برخی مناطق سنتی کشورمان متأسفانه شاهد خشونت‌های کاملاً سازمان‌یافته‌ای هستیم که علیه دختران و زنان اعمال می‌شود. خشونت‌هایی که درون خانه و خانواده علیه زن و علیه دختران صورت گرفته و صورت می‌گیرد و گاهی اتحاد مردان همخون مثل پدر، همسر و برادر زمینه‌های افزایش این خشونت را در جامعه فراهم می‌کند. هر چه ما به مناطقی که بافت سنتی بیشتری دارند نزدیک می‌شویم و روی آنها مطالعاتی را انجام می‌دهیم خشونت علیه زنان را نیز بیشتر مشاهده می‌کنیم. بخشی از وضعیت خشونت علیه زنان نگرشی است چون مردها خودشان را مالک زن می‌پندارند. مردها به لحاظ نگرشی و فکری خودشان را شهروند درجه یک و زن را شهروند درجه دو می‌دانند.

در کشور ما با کمال تأسف عوامل بازدارنده این **سبک خشونت‌ها** به اندازه کافی تاکنون کارساز نبوده. بخش دیگر این اتفاقات هم به مسائل فرهنگی مربوط می‌شود به رسانه‌های ما چه رسانه‌های دیداری چه شنیداری و چه رسانه‌های مکتوب که باید درخصوص آن کار کنند اما تاکنون آنچنان که باید و شاید به این موضوعات نپرداخته‌اند. با فرهنگ‌سازی و آگاه‌سازی مردم توسط رسانه‌ها این امکان فراهم می‌شود که آرام آرام تغییری در نگرش افراد ایجاد شود. بنابراین یکی از بحث‌های بسیار مهم در شکل‌گیری این فجایع مقوله فرهنگ است که هنوز در برخی از خرده فرهنگ‌ها به دلیل نگرش غلطشان جا نیفتاده است در نتیجه به راحتی می‌توانند پذیرای خشونت علیه زنان باشند و واکنش مناسب نسبت به این موضوعات از آنها دیده نمی‌شود.»

این روانشناس اجتماعی در ادامه درخصوص تکرار این **قتل‌ها** می‌گوید: «مورد دیگری که باعث تکرار شدن این فجایع می‌شود ضعف قانون یا ضعف اراده برخی از مجریان قانون است. متأسفانه در گذشته ما شاهد این ضعف بودیم و آن زمانی بود که رومینا اشرفی به طرز بسیار فجیع توسط پدرش کشته شد و پدر او در دادگاهی که در این خصوص تشکیل شد عنوان کرده بود که با اطلاع از قانون این کار را انجام داده است چون می‌دانسته که در قانون ما وقتی پدری فرزندش را می‌کشد قصاص نمی‌شود و در نهایت پدر رومینا به چند سال حبس محکوم شد. البته اعتراضات و واکنش‌هایی به برخورد قانون با پدر این دختر را شاهد بودیم مبنی بر اینکه اگر قانون در چنین مواردی قاطعیت نشان ندهد این جنایت‌ها

تکرار می‌شود. ببینید خود قانون در چنین مواردی می‌تواند فرهنگ‌ساز باشد یعنی اگر قوانین به اندازه کافی بازدارنده باشد یقیناً می‌تواند آمار این نوع جنایات را کاهش بدهد.

اخبار اینچنینی امنیت جامعه را مختل می‌کند قانونگذار باید به صورت ویژه تدبیرهایی را بیندیشد و زمینه‌ای را فراهم کند تا ما شاهد رخدادهایی از این دست نباشیم یعنی این اتفاقات برخورد قاطع قانون و قانونگذار را می‌طلبد موضوعی که تاکنون شاهد آن نبودیم.»

شریفی یزدی در مورد پیامدهای منفی این اتفاقات توضیح می‌دهد: «دختران نوجوان و جوان ما با شنیدن این اتفاقات احساس امنیت نخواهند داشت و احساس ناامنی شدیدی را تجربه خواهند کرد. این مساله باعث فاصله گرفتن بیشتر بین نسل‌های جامعه می‌شود یعنی نوجوانان و جوانان با شنیدن چنین خبری متاسفانه همانندسازی می‌کنند و این در ذهن‌شان می‌گذرد که پدر و مادرها کلاً انسان‌هایی خشمگین، عصبانی و بی‌منطق هستند که درکی از دنیای نوجوانان و جوانان ندارند. در حالی که بسیاری از والدین اصلاً این‌گونه نیستند. والدین باید دنیای نوجوان را بشناسند و این موضوع نیاز به مطالعه دارد. همچنین والدین باید دنیای زمان حال نوجوان‌شان را دریابند. متاسفانه بسیاری از والدین به فرزندان‌شان می‌گویند که ما هم جوان بودیم در صورتی که دوره چهل سال پیش با الان کاملاً متفاوت است. بیشتر از اینکه توقع داشته باشند نوجوان‌شان دنیای آنها را درک کند آنها باید دنیای نوجوان‌شان را درک کنند و وقتی والدین این موضوعات را به خوبی متوجه نمی‌شوند طبیعتاً شاهد قطع ارتباط بین والدین و نوجوانان خواهیم بود.»

***بهاره شبانکارئیان/ اعتماد 5247**